

سفر بی پایان یادگیری

حدیثه اوتادی

برای معلمان، همیشه این موضوع که چطور دانش‌آموزان خود را به درس خواندن تشویق کنند چالش برانگیز بوده است؛ ولی به نظر می‌رسد آنچه مهم‌تر است تقویت روحیهٔ آموختن در آن‌هاست. آموختن نه فقط کتاب‌های درسی مدرسه، بلکه آموختنی به وسعت زندگی. بی‌شک، اگر بتوانیم یادگرفتن را برای کودک امروز خوشایند کنیم، بزرگ‌سال فردا با چنین رویکردی نه تنها می‌تواند خودش به موفقیت دست پیدا کند، بلکه به پیشرفت کشورش نیز کمک شایانی خواهد کرد. همه می‌دانیم که اگر می‌خواهیم به سوی ارتقای سطح کشور، در زمینه‌های مختلف، گام برداریم، قدم‌های اصلی و اولیه را باید از مدرسه برداریم. هرچه هست در مدرسه است و به‌دنبال هرچه باشیم ریشه‌هایش را باید در مدرسه جست‌وجو کنیم. ما معتقدیم اگر شیوه‌های اجرایی معلم در تعامل با دانش‌آموزانش، چه درسی و چه عاطفی، مطلوب باشد و بتواند آن‌ها را تحت‌تأثیر قرار دهد، نه تنها درس معلم را خوب می‌آموزند بلکه برای همیشه نسبت به آموختن احساس خوشایندی خواهند داشت و این نعمت بزرگی برای آیندهٔ آن‌ها خواهد بود. در این مجال کوتاه به ذکر نکاتی در این باب می‌پردازیم.



● مسائل روحی، روانی و عاطفی یک معلم باید برای خودش حل شده باشد. بی‌پرده بگویم، معلم باید گرفت و گیرهای شخصیتی خودش را مرتفع کرده باشد. در غیراین صورت نه تنها نمی‌تواند به رشد دانش‌آموزانش کمک کند، بلکه به آن‌ها آسیب هم خواهد زد؛ چرا که ناخواسته این معضلات را در رفتارش به آن‌ها منتقل یا آن‌ها را از آن متأثر می‌کند. مثلاً معلمی که نمی‌تواند خشمش را مهار کند نمی‌تواند مطمئن باشد که اگر تنبیهی برای دانش‌آموزی در نظر می‌گیرد صرفاً در جهت صلاح آن دانش‌آموز است یا نمودی از کاستی‌های وجود خودش؛ یا معلمی که تحمل افکار مخالف را ندارد و آن را ناشی از غرض‌ورزی‌های طرف مقابل می‌داند هنوز خیلی کار دارد تا بشود نام آموزگار بر او نهاد. من به‌عنوان مشاور، متأسفانه، همکاران معلم بسیاری را دیده‌ام که هنوز یک بزرگ‌سال بالغ نیستند و گاهی با دانش‌آموزان خود دچار چالش‌های شخصی می‌شوند. به عقیده من گزینش‌های معلمان بیش از هر چیز دیگری باید روانکاوانه باشد. کسی که هنوز رشد یافته نیست یا حداقل در مسیر رشد قرار ندارد (به این معنی که به مشکلات و کاستی‌های وجودش آگاه باشد)، چطور می‌تواند به رشد همه‌جانبه دانش‌آموز خود کمک کند؟!

● اهل مطالعه باشید و دانش عمومی خود را افزایش دهید، در این صورت معلم جذاب‌تری خواهید بود. «همواره آموختن» شما نه تنها از چشم دانش‌آموزانتان پنهان نمی‌ماند بلکه آنان این ویژگی ارزشمند را از شما نیز خواهند آموخت.

● چگونه آموزش دادن و چگونه انتقال دادن مفاهیم را بیاموزید. معلمی یک مهارت آموختنی است که علاوه بر این که عشق و ذوق می‌خواهد، استعداد و تلاش هم طلب می‌کند. هر فردی صرفاً با داشتن دانش آکادمیک یک رشته، توانایی انتقال آن را به دیگران نخواهد داشت. بنابراین مهم است که یک معلم فن بیان خوبی داشته باشد تا آموزه‌هایش نه تنها آموخته شوند، بلکه

بر دل نشینند.

● الگوی درست زیستن باشید. هر معلم باید جهان‌بینی خود را مورد بازنگری و اصلاح قرار دهد چرا که او افکار و عقاید و معلومات و احساسات و عواطف و ارزش‌ها و گرایش‌ها و... را در دانش‌آموزانش مدیریت و رهبری می‌کند. در سطح کلان، او مدیر جامعه و جهان است. پس الگوی شایسته بودنش امری حیاتی است.

● باید بتوان به دانش‌آموزان یاد داد که ویرای یک کتاب درسی به آن نگاه کنند و دیدی فراتر از خواندن و امتحان دادن به آن داشته باشند. تک‌تک درس‌های یک کتاب می‌توانند درس‌های زندگی باشند، به شرط اینکه خود معلم این دیدگاه را داشته باشد. در این صورت لذت بردن از آموختن تمامی نخواهد داشت.

● معلم به تقویت مداوم علمی و حرفه‌ای خود نیازمند است. اکتفا به اطلاعات دوران تحصیل و سال‌های اولیه معلمی تبعات خوبی نخواهد داشت. اول اینکه نشان‌دهنده بی‌انگیزگی معلم است و باعث کاهش ذوق آموختن در دانش‌آموزان می‌شود. دوم اینکه سطح علمی دانش‌آموزان پایین می‌ماند و این یعنی ضعیف کردن جامعه.

● به علائق ناشی از خستگی دانش‌آموزان بی‌توجه نباشید و در این مواقع درس دادن یا پرسش کردن را متوقف کنید. یک زمان کوتاه برای تنفسی صحیح یا کشش عضلات می‌تواند حال و هوای خسته‌کننده کلاس را تغییر دهد.

● بدون اطلاع قبلی پرسش و امتحان برگزار نکنید. دانش‌آموزان این کار شما را مچ‌گیری به حساب می‌آورند و این موضوع بر کیفیت رابطه شما تأثیرگذار خواهد بود.

● امتحان‌ها باید با حد و اندازه تدریس‌تان تناسب داشته باشد. دانش‌آموزان باید با منابع مطالعاتی و همین‌طور شیوه‌های صحیح مطالعه درس شما آشنا باشند، در غیراین صورت امتحان گرفتن فقط موجب پایین آمدن خودباوری فرد می‌شود و احساس شکست به او خواهد داد.

● حتماً تا جای ممکن قبل از تدریس مطالب جدید، مطالب قبلی را مرور کنید. در این صورت حتی آن‌هایی که مطالعه نکرده‌اند، برای گوش دادن انگیزه پیدا می‌کنند.

● از ایفای نقش استفاده کنید و هرازگاهی نقش خود را به دانش‌آموزانتان بدهید. این کار می‌تواند شامل مطالعه درس جلسه آینده برای دانش‌آموزان قوی‌تر و کنفرانس سرفصل‌های کامل یاد گرفته شده قبلی توسط دانش‌آموزان ضعیف‌تر باشد. دانش‌آموزان در این حالت در فرایند یاددهی - یادگیری دخیل می‌شوند و افزایش انگیزش در آن‌ها رخ خواهد داد. از طرفی با این کار اضطراب صحبت کردن در جمع را، که گاهی افراد تا آخر عمر با خود حمل می‌کنند، کاهش داده‌اید و این امر در تشکیل خودپنداره مثبت در دانش‌آموزان نقش اساسی خواهد داشت. مگر نه اینکه هدف والای معلمی آموختن مهارت‌های اساسی برای همه زندگی فرد است؟

● از آیات قرآن، هرچند کوتاه، در شروع و پایان کلاس برای آرامش خود و دانش‌آموزانتان بهره ببرید.

● شروع و پایان کلاس را با گفتن جملاتی مثبت و انرژی‌بخش خوشایند کنید. مثلاً در پایان کلاس روی فعالیت‌های موفقیت‌آمیز آن روز تأکید کنید و در شروع جمله‌ای زیبا درباره تلاش و دیگر خصایص نیکو بگویید (یا از دانش‌آموزان بخواهید هربار یکی از آن‌ها عهده‌دار این بخش باشد).

● هر دو ماه یک‌بار نظر دانش‌آموزانتان را راجع به نحوه تدریس خود و برگزار کردن کلاس درستان جویا شوید. در شنیدن انتقادات شجاعت داشته باشید، اگر به دنبال ارتقای سطح کیفی عملکرد خود هستید.

● تشویق! تشویق! تشویق! در تشویق کردن چه با کلامی دلنشین یا لبخندی پرمهر یا دستی نوازشگر یا هدیه دادن و... سخاوتمند باشید. شک نداشته باشید تشویق شما به هر نحوی باشد و دانش‌آموزتان در هر سطحی از شرایط عاطفی یا اقتصادی و فرهنگی که قرار داشته باشد، تشویق و تأیید شما هرگز از

هم تدریسی

مروری بر نظریه‌ها و روش‌های

تدریس مشارکتی معلمان

دکتر عبدالرضا سبحانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

سمیه مهدی

دانشجوی دکتری رشته تکنولوژی آموزشی

به‌طور معمول تدریس یک حرفه فردی است، اما تغییرات پرشتاب و درهم تنیدگی رشته‌های تحصیلی و عناوین درس‌ها و شرایط خاص و تنوع یادگیرندگان و همچنین افزایش انتظارات برای تضمین کیفیت جریان آموزش در مدرسه و دانشگاه موجب شکل‌گیری «نظریه هم‌تدریسی» یعنی همکاری دو یا چند معلم برای تدریس یک درس شده است. در سال‌های اخیر هم‌تدریسی به‌عنوان یکی از گزینه‌های قابل اطمینان برای رسیدن به کیفیت برتر در کارکرد آموزشی مدرسه و دانشگاه مطرح شده است. البته به دلیل عادت معلمان به تدریس انفرادی، در مقابل این روش کلاس‌داری مقاومت‌ها و یا رفتارهای محتاطانه‌ای وجود دارد. این رویکرد تدریس تاکنون به‌طور جدی در مدارس و دانشگاه‌های ایران مدل‌سازی نشده است. هر چند به‌صورت غیررسمی و موردی بعضی معلمان با توافق یکدیگر این روش را به‌صورت محدود تجربه کرده‌اند اما هنوز در نظام و فرهنگ کلاس‌داری ایران جایگاه روشنی ندارد! بنابراین، علی‌رغم ویژگی‌های مثبت هم‌تدریسی، این نوع از تدریس در مدارس ما کمتر رایج شده و به ندرت مورد مطالعه قرار گرفته است! این مقاله به دنبال غنی‌سازی ادبیات نظری هم‌تدریسی است تا درک و دانش معلمان درباره این مفهوم ارتقا یابد و زمینه لازم برای فراهم نمودن امکان تجربه محدود و پژوهش وسیع‌تر درباره این نوع تدریس در مدارس فراهم شود.

خاطرش نخواهد رفت و برای همه وجودش مطلوب خواهد بود.

● صرفاً تعاملات درسی نداشته باشید. راجع به مسائل اجتماعی، اخلاقی، شغلی و... زمانی راه، هر چند کوتاه، به گپ‌وگفت اختصاص دهید. هر معلمی می‌تواند حتی با گفتن یک خاطره، هم به دانش‌آموزانش مهارت‌های زندگی را بیاموزد و هم رابطه‌اش را با آن‌ها قوی‌تر کند. فرصتی را هم برای صحبت دانش‌آموزان قرار دهید تا درباره اتفاقات سطح شهر یا رسانه‌ها تبادل نظر کنند. در این راستا می‌توانید دیدگاه و نحوه بیانشان را ارتقا دهید.

● فضای کلاس را در صورت امکان هر از گاهی تغییر دهید. مثلاً در فضای باز یا کتابخانه یا آزمایشگاه یا کارگاه.

● به این فکر کنید که چطور می‌توانید دانش‌آموز ساکت را به حرف بیاورید و پر حرف‌ها را مهار کنید.

● شأن انسانی دانش‌آموز را در هر شرایطی مدنظر داشته باشید. خصوصاً به وقت تنبیه.

● با کلماتی شایسته با دانش‌آموزان سخن بگویید. آن‌ها بی‌شک از شما خواهند آموخت.

● به هیچ دانش‌آموزی برچسب نزنید؛ چه مثبت و چه منفی. ما باید به رفتار یا عمل غیرقابل قبول یا ناپسند فرد انتقاد کنیم نه به شخصیت او. همان‌طور که تشویق هم متوجه عمل یا رفتار پسندیده و شایسته دانش‌آموز است نه وجود او. بگوییم: «آفرین! از چه راه حل خلاقانه‌ای استفاده کردی!» به جای اینکه بگوییم: «آفرین! تو خیلی باهوشی.» یا «انجام ندادن تکالیف اصلاً قابل توجیه نیست و نباید تکرار کنی!» به جای اینکه بگوییم: «تو تنبلی!» باهوش و تنبل برچسب هستند و شخصیت دانش‌آموز را به جای عملکرد او هدف می‌گیرند.

● از دانش‌آموزان خود انتظارات مثبت داشته باشید و این انتظار را به آن‌ها انتقال دهید. تحقیقات نشان داده است وقتی از انسان انتظار کار نیک می‌رود فرد همه تلاشش را برای اینکه این ذهنیت محقق شود انجام می‌دهد و برعکس اگر احساس بی‌کفایتی به او انتقال دهید، فرد خودش را رها می‌کند. موتور محرک دانش‌آموزانتان باشید.

● از روش‌های تدریس متفاوت استفاده کنید تا علاقه و توجه دانش‌آموزان را برانگیزید.

● در هدف‌گذاری به دانش‌آموزانتان کمک کنید. تعیین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت برای رسیدن به موفقیت، مدیریت زمان را به آن‌ها خواهد آموخت که می‌توانند از آن برای همه عمر بهره بگیرند.

در آخر اینکه یادمان نرود که دانش‌آموزان ما در حال رشد هستند و رشد فشار فزاینده‌ای بر آن‌ها تحمیل می‌کند، بنابراین بزرگوارانه از خامی‌ها و کوتاهی‌های آن‌ها گذر کنید. شک نکنید عمل خالصانه شما در پرورش و تعلیم صحیح آن‌ها تأثیر عمیقی بر شخصیت و مسیر زندگی‌شان خواهد گذاشت و زمانی که از سال‌های تحصیل و کودکی و نوجوانی خود عبور کردند و به ثبات رسیدند، تبدیل به انسان‌هایی شایسته خواهند شد.

امیدواریم که مسئولان بیشتر به فکر سلامت و رفاه معلمان باشند چرا که سلامت روح و روان همگان در دست توانمند معلمان است. امروز معلمان فردای دانش‌آموزان است و فردای دانش‌آموزان فردای جهان و جهانیان.

بنابراین ارج نهادن به معلم توجه قائل شدن برای انسان و انسانیت است.